

کارگران جهان، متحد شوید!

# شوراهای کارگری



لنین



رفقا! اهمیت و نقش شوراهای نمایندگان کارگری مسئله ای است، که هم اکنون در دستور روز سوسیال دموکراسی پترزبورگ و کلیه بیولتاریا پایتخت قرار دارد. من قلم به دست میگیرم تا اندیشه ای چند را پیرامون این مسئله، حاد مطرح نمایم، لکن قطعاً ضروری میدانم پیش از آن، شرطی پراهمیت را عنوان کنم. من بعنوان یک فرد خارج از کشور اظهار نظری نمائیم. من هنوز هم باید از این دوری لعنتی، از این "خارج" منفور مهاجرت بنگارم. و این تقریباً غیرممکن است، برای خود عقیده ای درست پیرامون مسئله ای چنین شخص و عطسی پدید آورده، بدون اینکه در پترزبورگ باشم، بدون اینکه هیچگاه یک شورای نمایندگان کارگری را دیده باشم و با دوستان کارگریستک تبادل نظری داشته باشم. به همین خاطر من انتشار این نامه از جانب یک انسان غیرمطلع را به تصمیم "هیئت تحریریه" واگذار میکنم. من حق تفسیر عقائد م را، زمانی که بالاخره توفیق آشناسدن با مسئله را نه از طریق مدارک "کاغذی" بیابم، برای خود حفظ خواهم کرد.

لکن حال به مطلب بپردازیم. بنظرم میرسد که رفیق زادین، هنگامی که در شماره "ناوایا نیمن" (من فقط) شماره ارگان مرکزی روسی حزب کارگری سوسیال دموکراتیک روسیه را دیده ام (۱) مسئله را اینگونه عنوان می نماید: شوراهای نمایندگان کارگری یا حزب؟ محق نیست؟ بنظرم میرسد، که طرح مسئله به اینگونه مجاز نیست، پاسخ باید ختماً چنین باشد: هم شورای نمایندگان کارگری هم حزب. مسئله - مسئله ای اندازه مهم - تنها در این است که چگونه وظائف شوراها و وظائف حزب کارگری سوسیال دموکراتیک روسیه باید از یکدیگر تفکیک شده و با یکدیگر تلفیق گردند.



بنظرم می‌رسد، که پیوستن تمام و کمال شوراه به یک حزب از احزاب  
سودمند نخواهد بود. این عقیده احتمالاً خواننده را متعجب خواهد  
نمود، و من می‌خواهم (بدون اینکه یک بار دیگر موکداً به خاطر آورم،  
که این نظر، نظریه فرد خارج از کشور است) بلاواسطه به بیان  
پرداخته، نظریات خود را بیان نمایم.

شورای نمایندگان کارگری زائیدهٔ اعتصاب عمومی بوده، برپایهٔ  
اعتصاب و در خدمت اهداف اعتصاب پدید آمده. چه کسی اعتصاب را  
رهبری نمود و آن را پیروزمندانه به سرانجام رهبری کرد؟ کل پرولتاریا،  
که در میان آنان هم چنین غیر سوسیال دموکرات‌ها، خوشبختانه در  
اقلیت، وجود دارند. اعتصاب چه اهدافی را دنبال میکرد؟ اهداف  
اقتصادی و سیاسی توأم را. اهداف اقتصادی به مجموعهٔ پرولتاریا،  
همهٔ کارگران و حتی بخشی از زمینکشان، نه فقط مزدبگیران متوسط  
میگستند. اهداف سیاسی مربوط به همهٔ خلق، صحیح تر گفته شود،  
همهٔ خلق‌های روسیه میگرددند. اهداف سیاسی عبارت از رهائشی  
همهٔ خلق‌های روسیه از یوغ حکومت مطلقه، بیگاری، بی‌حقوقی و  
خودکامگی پلیسی بودند.

بیشتر به رویم. آیا پرولتاریا باید مبارزهٔ اقتصادی را ادامه دهد؟  
حتماً آری، در این مورد میان سوسیال دموکرات‌ها عقاید دوگانه‌ای  
موجود نیست و نمیتواند هم عقاید دوگانه‌ای موجود باشد. آیا ایسین  
مبارزه باید فقط توسط سوسیال دموکرات‌ها یا تنها زیر پرچم سوسیال  
- دموکراسی به پیش برده شود؟ من معتقدم نه؛ من کماکان بر همان  
عقیده‌ام، آنچه (به هر صورت تحت شرایط کاملاً دیگری که هم‌اکنون  
دوران آن طی شده است) در "چه باید کرد" بیان کردم، یعنی  
اینکه بیفایده است، هرگاه عضویت در سندیکاها و به تبع آن شرکت در



مبارزه اقتصادی سندیکائی تنها به اعضا حزب سوسیال دموکراتیک محدود شود. بنظر میزند که شورای نمایندگان کارگری به مناسبه تشکیلات مشفل گوناگون باید بدین خاطر بکوشد که نمایندگان کلیه کارگران، کارمندان، مستخدمین اداری، روزمزدان و دیگران به او تعلق داشته باشند. همه کسانی که اصلاً میتوانند مشترکاً جهت بهبود زندگی مجموعه زحمتکشان خلق مبارزه نمایند و میخواهند مبارزه نمایند، همه کسانی که حداقل عناصر اولیه صداقت سیاسی را دارا هستند، همگی به غیر از باند سیاه. لکن ما سوسیال دموکراتها به نوبه خود کوشا خواهیم بود اولاً بدین دست یابیم که (بنا بر امکانات) اعضا سازمان های حزبی ما عضو اتحادیه های سندیکائی باشند، و ثانیاً مبارزه مشترک با رفقای پرولتارها بدون تفاوت در جهان بینی های آنها را جهت ترویج نمودن خستگی ناپذیر و انحراف ناپذیر یگانه جهان بینی پیگیر، یگانه جهان بینی واقعاً پرولتاریائی - مارکسیسم - استفاده نمائیم. برای یک چنین کار ترویج - و تبلیغی، ما حزب طبقاتی کاملاً مستقل، استوار بر اصول پرولتاریائی از نظر سیاسی آگاه خود، یعنی حزب کارگری سوسیال دموکراتیک روسیه را بدون قید و شرط نگهداشته، تحکیم نموده و تکامل خواهیم بخشید. هر گام مبارزه پرولتری در پیوند جدائی ناپذیر از فعالیت سوسیال دموکراتیک با برنایسه و سازمان یافته، توده طبقه کارگر را در روسیه به سوسیال دموکراسی نزدیک تر خواهد نمود.

لکن این نیمه مسئله، که مربوط به مبارزات اقتصادی است، نسبتاً ساده است و حتی نباید مورد اختلاف نظر ویژه ای بشود. نیمه دوم مسئله، که به رهبری سیاسی، به مبارزه سیاسی مربوط میشود، گونه دیگری است. حتی با توجه به این خطر، که خواننده را بیشتر



منعجب سازم ، باید بلافاصله بگویم که در این رابطه بی فائده به  
نظر میرسد که از شورای نمایندگان کارگری تقبل برنامه سوسیال دمو-  
کراتیک روسیه را طلب نمائیم . بنظر می رسد برای رهبری مبارزات  
سیاسی کنونی هم شوراها ( تفسیر یافته در جهتی که هم اکنون باید  
پیرامون آن گفتگو شود ) و هم حزب به یک نسبت حتماً ضروری میباشند .  
شاید اشتباه نمائیم ، لکن به نظر من میرسد ( برپایه مدارک تماماً  
« کفندی » و ناکاملی که در اختیار من است ) که شورای نمایندگان  
کارگری از دیدگاه سیاسی باید به صوابه شکل جنبشی حکومت انقلابی  
موقت در نظر گرفته شود . بنظر می رسد ، شوراها باید خود را هر چه  
سریع تر بعنوان حکومت انقلابی موقت اعلام نمایند یا ( آنچه که همان  
است ، منتهی به شکلی دیگر ) یک حکومت انقلابی موقت تشکیل دهند .  
مبارزه سیاسی درست هم اکنون به آن مرحله تکامل رسیده است ،  
که در آن نیروهای انقلاب و ضد انقلاب تقریباً تعادل دارند . زیرا  
حکومت تزاری دیگر قدرت این را ندارد که انقلاب را سرکوب نماید .  
لکن انقلاب هنوز به اندازه کافی قدرتمند نیست ، که حکومت بانس-  
سیاه را کاملاً از جای برود . تلاشی حکومت تزاری کامل است . لکن  
از این جهت که با پیکر زنده می گردد ، با سموم لاشه خویش روسیه  
را سموم می نماید . تلاشی نیروهای ضد انقلابی تزاری باید حتماً  
بلافاصله ، بدون درنگ ، بدون کوچکترین تأخیر توسط سازماندهی  
نیروهای انقلابی مقابله گردد . این سازماندهی درست همین اواخر  
پیشرفت های سریع و قابل تحسینی نموده است . شاهد این مدعا هم  
تشکیل بخش های ارتش انقلابی است ( گروه های دفاعی و غیره ) و هم  
انگشاف سریع سازمان های توده ای سوسیال دموکراتیک پرولتاریا  
است ، هم تأسیس کمیته های دفاعی توسط دهاقین انقلابی و هم



اولین گردهمایی آزاد برادران پرولتری ما در انیفرم و ملوانان و سربازان ، که راه سخت و پرهزمت ، لکن مطمئن و سرشار از امید خویش را به سوی آزادی و سوسیالیسم هموار میسازند .

درست هم اکنون جمع بست همه نیروهای واقعا انقلابی ، همه نیروهایی که تاکنون دارای فعالیت انقلابی هستند ، را کم داریم . یک مرکز همه روسی سیاسی ، که به واسطه ریشه ها عمیق خود در میان خلق زنده ، شاداب و قوی بوده ، قطعاً از اعتماد توده ها برخوردار بوده ، و انرژی پایان ناپذیری در اختیار داشته و با احزاب متشکله ، انقلابی و سوسیالیستی ارتباط فشرده ای داشته باشد را کم داریم . یک چنین مرکزی فقط میتواند توسط پرولتاریای انقلابی ایجاد شود ، که اعتصاب سیاسی را به طرز درخشانی انجام داده ، که اکنون قیام مسلحانه عمومی خلق را سازمان میدهد ، که نیی از آزادی را برای روسیه به چنگ آورد و آزادی کامل را نیز به چنگ خواهد آورد .

سؤال میشود ، چنانچه بایست شورای نمایندگان کارگری شکل جنینی چنین مرکزی باشد ؟ بدین خاطر که در شوراها تنها سوسیال-دموکرات ها شرکت ندارند ؟ این یک نکته منفی نیست ، بلکه یک نکته مثبت است . ما همواره گفته ایم ، که اتحاد مبارزه جویانه سو-سیال دموکرات ها با دموکرات های انقلابی بورژوازی ضروری است . ما این را گفته ایم ، لکن کارگران آن را انجام داده اند . و این بسیار عالی است که کارگران آن را عطفی ساخته اند . من هنگامی که در "ناوایاسینن" یک نامه از رفقای کارگری خواندم ، که عضو حزب سوسیال رولوسیونر هستند و علیه دخول شوراها در یک حزب اعتراض میکردند ، این تفکر به خودی خود در من به وجود آمد که این رفقای کارگر در بسیاری مسائل عملا محق هستند . البته نقطه نظرات ما و



ایشان متفاوت هستند ، البته نمیتواند هیچ سخنی از یک ادغام  
سوسیال دموکرات ها در سوسیال رولوسیونرها در میان باشد ، لکن در  
این مورد هیچ سخنی هم نبوده است . کارگرانی که حامل جهان -  
بینی اس - ارها هستند و در صفوف پرولتاریا پیکار میکنند ، بنا به  
اعتقاد راسخ ما ناپیگیرند ، زیرا درحالیکه کارحقیقتاً پرولتری انجام  
میدهند ، جهان بینی غیرپرولتری را حفظ میکنند . ما باید قطعاً مبارزه  
ایدئولوژیک صحنه ای را علیه این ناپیگیری هدایت کنیم ، لکن آنطور  
که امور انقلابی حاد ، سوزان ، حیاتی ، که مورد تأیید همه بوده ، متحد -  
کننده همه انسان های صادق است به خاطر این مبارزه صدمه  
نبینند . ما جهان بینی سوسیال رولوسیونرها را هم چنان نه بیست  
جهان بینی سوسیالیستی میدانیم ، بلکه یک جهان بینی انقلابی -  
دموکراتیک میدانیم ، لکن اهداف مبارزاتی ما را موظف میسازند که  
در عین استقلال کامل احزاب به همراه هم برویم ، و شورا درست یک  
تشکیلات مبارزاتی است و میبایست نیز باشد . دموکرات های انقلابی  
صادق و از خود گذشته را هنگام انجام انقلاب دموکراتیک تاراندن ،  
بلاغت ، حتی دیوانگی است . ما به راحتی حریف ناپیگیری آنها  
میشویم ، زیرا نظریات ما را تاریخ خود تأیید می نماید ، واقعیت در  
هر گاش تأیید میکند . اگر ادبیات ما به ایشان سوسیال دموکراتیسم را  
نیاموخته است ، انقلاب ما به ایشان سوسیال دموکراتیسم را خواهد  
آموخت . کارگرانی که مسیحی بدانند ، به خدا مومن باشند ، و روشنفکرانی  
که هوادار ( نف - تف ) عرفان هستند نیز طبیعتاً ناپیگیرند - لکن  
ما به هیچ وجه ایشان را از شورا ، و نه حتی از حزب نخواهیم تاراند .  
زیرا ما بر این اعتقاد راسخ هستیم که مبارزه واقعی ، کار ، کلیه  
عناصر دارای توانائی زندگی را به حقیقت مارکسیسم معتقد خواهد نمود



و کلیه عناصر فاشیست توان زندگی را یکی پس از دیگری ، به دور خواهند  
 افکند . لکن ما حتی یک لحظه هم به نیروی خویش ، به قدرت متوقف  
 مارکسیسم درون حزب کارگری سوسیال دموکرات روسیه تردید نخواهیم  
 کرد . به نظر من شورای نمایندگان کارگری به مثابه مرکز انقلابی رهبری -  
 کننده سیاسی به هیچ وجه تشکیلات بسیار گسترده ای نیست ، بلکه  
 برعکس تشکیلات بسیار فشرده ای است . شورا باید خود را بعنوان  
 حکومت انقلابی موقت اعلام نماید یا یک چنین حکومتی را تشکیل دهد  
 و در این ارتباط حتماً نمایندگان جدید نه فقط کارگران ، بلکه هم -  
 چنین اولاً ملوانان و سربازان ، که در همه جا دست هایشان را  
 به خاطر آزادی گشوده اند ، ثانیاً دهاقین انقلابی و ثالثاً روشنفکران  
 انقلابی بورژوازی را جلب نماید . شورا باید یک هسته قدرتمند برای  
 حکومت انقلابی موقت انتخاب نماید و این هسته را از طریق نمایندگان  
 همه احزاب انقلابی و همه انقلابیون ( اما طبیعتاً فقط انقلابیون و نه  
 لیبرال های ) دموکرات تکمیل نماید . ما از یک چنین ترکیب وسیع و  
 الوانی هراس نداریم ، بلکه آن را آرزو میکنیم ، زیرا پیروزی کامل  
 انقلاب عظیم روس بدون اتحاد پرولتاریا و دهقانان ، بدون مبارزه  
 مشترک سوسیال دموکرات ها و دموکرات های انقلابی غیر ممکن است . این  
 یک اتحاد موقت جهت حل وظائف عملی کاملاً مشخص بلاواسطه ای  
 خواهد بود ، لکن منافع اساسی پرولتاریای سوسیالیستی ، که بسیار  
 مهم تر است ، به وسیله حزب مستقل و استوار بر اصول سوسیال دمو -  
 کرات کارگری روسیه مصمانه به حقیقت خواهند پیوست .

اعتراض خواهد شد : آیا با ترکیب گسترده رنگارنگ میتوان یک  
 مرکز به اندازه کافی یک پارچه و مستحکم برای رهبری عملی پدید آورد ؟  
 من میخواهم با سؤال مقابل پاسخ دهم : انقلاب اکتبر



چه می آموزد؟ آیا کمیته، اعتصاب در عمل خود را به مثابه، یک مرکز مورد قبول عموم، به مثابه، حکومت واقعی نشان نداد؟ و آیا این کمیته نمایندگان هر بخش از "اتحادیه ها" و "اتحادیه های اتحادیه ها" را که واقعاً انقلابی هستند و واقعاً از پرولتاریا در مبارزه، بی امان خود بخاطر آزادی پشتیبانی میکنند، باعلاقه به صفوف خود نمی پذیرفت؟ واضح است که هسته، اصلی خالصاً پرولتری باید در حکومت انقلابی موقت قوی باشد، مثلاً، باید در برابر صدها نمایندگان کارگران، ملوانان، سربازان و دهقانان فقط یک دوچین از نمایندگان اتحادیه های روشنفکران انقلابی موجود باشند. و من گمان میکنم پرولتاریا به زودی در عمل ایجاد نسبت درست را درک خواهد نمود.

اعتراض خواهد شد: آیا میتوان چنان برنامه ای را برای چنین حکومتی به وجود آورد، که به حد کافی کامل باشد تا پیروزی انقلاب را ضمانت نماید، و دارای انعطاف کافی باشد، تا یک تجمع مبارزاتی را ممکن سازد، که به دور از نیمه کاری و ناروشنی "از سکوت و عوام - فریبی باشد؟ من پاسخ میدهم: چنین برنامه ای بطور کامل و تمام عیار توسط زندگی به وجود آمده است. یک چنین برنامه ای اصولاً توسط عناصر آگاه بدون استثنا همه طبقات و اقشار مردم حتی به انضمام روحانیت مومن به قانون به رسمیت شناخته شده است. در این برنامه باید تحقق واقعی و کامل آزادی سیاسی که توسط تزار این چنین دغلکارانه وعده داده شده است، در مرتبه نخست قرار داشته باشد. لغو کلیه قوانینی که آزادی سخن، تفکر، اجتماعات، مطبوعات، ائتلاف و اعتصاب را محدود می نمایند، و انحلال کلیه موسساتی که این آزادی را محدود می نمایند باید بلافاصله و واقعاً انجام پذیرند، باید از نظر عقلی تضمین و انجام شوند. این برنامه



باید فراخوان مجلس موسساتی که واقعا توسط مجموع خلق انتخاب گردیده است را دربر داشته باشد، مجلس موسساتی که خود تکیه بر خلق آزاد و مسلح داشته و دارای همه قدرت، برای ایجاد شرایط نوین در روسیه باشد. این برنامه باید دربرگیرنده تسلیح خلق باشد. ضرورت چنین تسلیحی توسط همگان شناخته شده است. کاری که دیگر آغاز شده و در همه جا در شرف انجام است تنها نیازمند آن است که جمع‌بندی شده و به سرانجام رسد. باید در برنامه حکومت موقت انقلابی هم چنین آزادی کامل و واقعی خلق‌های تحت ستم هیولای تزاری بدون تعلل ضمانت گردد. روسیه آزاد متولد شده است. پرولتاریا در پست خویش مستقر است. وی اجازه نخواهد داد که لهستانی‌های قهرمان بار دیگر لگدکوب گردند. او خود را به میدان نبرد خواهد افکند و دیگر تنها به ابزار صالمت آمیز اعتصاب بسنده نمیکند، بلکه سلاح به دست برای آزادی هم روسیه و هم مجارستان به پا خواهد خاست. در این برنامه باید مساعیت کار در روز، که کارگران دیگر "سرخود" انجام میدهند و سایر مقررات تأخیرناپذیر جهت مهار کردن استثمار سرمایه داری تحکیم شده باشد، بالاخره باید این برنامه حتماً متضمن آن باشد، که مجموعه زمین‌ها به دهقانان واگذار شود، و تدابیر انقلابی دهقانان در تصرف کلیه زمین‌ها مورد پشتیبانی هستند (طبیعتاً بدون برانگیختن توهم در مورد بهره برداری کوچک "تساوی بخش" از زمین) و اینکه همه جا کمیته‌های انقلابی دهقانی تشکیل گردند، چنان که هم اکنون خود - به خود آغاز به تشکیل کرده اند.

چه کسی غیر از باند سیاه و حکومت باند سیاه امروز تعویق ناپذیری و فوریت عملی این برنامه را به رسمیت نمیشناسد؟ حتی دیگر لیبرال -



— های بورژوازی نیز آماده اند آن را در حرف به پذیرند ! لکن ما باید این برنامه را با نیروهای خلق انقلابی عملی سازیم . ما باید به همین خاطر این نیروها را هر چه زودتر مجتمع کنیم ، بدین ترتیب که برو —  
— لتاریا حکومت انقلابی موقت را اعلام میدارد . طبیعی است که تکیه گاه واقعی چنین حکومتی فقط میتواند قیام مسلحانه باشد . لکن حکومت برنامه ریزی شده البته چیز دیگری جز ارگان این قیام در حال رشد و شکوفائی نخواهد بود . عملاً تا زمانی که قیام تا بدان حد گسترش نیافته ، که برای همه مسائل قابل رویت ، بعبارت دیگر قابل دسترسی گردند ، اجازه نداریم دست به تشکیل حکومت انقلابی موقت بزنیم . لکن درست هم اکنون ضروری است که این قیام را از نظر سیاسی تنظیم نمود ، سازمان داد ، بدان یک برنامه روشن داد و همه بخشهای هم اکنون فراوان و از نظر کمی به سرعت رشد یابنده ارتش انقلابی را به تکیه گاه و اهرم های این حکومت نوین واقعاً آزاد و واقعاً نماینده خلق بدل نمود . مبارزه اجتناب ناپذیر است ، بروز قیام قطعی است ، بیکار تعیین کننده دیگر کاملاً نزدیک است . زمان آن است که تزاریم در حال تلاشی را به نبرد فراخوانیم ، قدرت سازمان — یافته پرولتاریا را در برابرش قرار داده ، با یک بیانیه به نام یک حکومت انقلابی موقتی که توسط کارگران پیشرفته تشکیل گردیده است به سوی خلق برویم .

حال دیگر به روشنی می بینیم که در دامان خلق انقلابی انسان — هائی یافت میشوند ، که توانائی انجام این کار عظیم را دارند ، انسان هائی که بی محابا خود را فدای انقلاب می نمایند ، و مسئله عده ، انسان هائی که دارای انرژی پرخروش و جوشان هستند ، حال دیگر ما به روشنی می بینیم ، که عناصر یک ارتش انقلابی موجود هستند ،



که این عمل را حمایت خواهند نمود ، که کلیه نیروهای صادق ،  
زنده ، آگاه در کلیه طبقات مردم به محض اینکه حکومت جدید به  
روسیه در حال احتضار شودال ها و مستخدمین پلیس جنگ تعیین -  
کننده را اعلام دارد ، قطعاً از تزاریم رویگردان خواهند شد .

مردم ! باید در این اعلام جنگ ، در این بیانیه حکومت انقلابی این  
چنین بیاید - مردم انتخاب کنید . در آنجا مجموعه روسیه کهن ، همه  
نیروهای سیاه استعمار ، سرکوب ، تحقیرکننده انسان ها قرار دارند .  
در این جا اتحادیه مردم آزاد ، مردمی که در مورد همه امور دولتی  
برابر هستند . آنجا اتحاد استشارگران ، شرفمندان ، مأموران پلیس .  
اینجا اتحاد همه زحمتکشان ، همه نیروهای زنده خلق ، همه  
روشنفکران صادق . آنجا باند سیاه ، اینجا کارگران سازمان یافته ، که  
برای آزادی ، روشنگری و سوسیالیسم مبارزه می نمایند .

مردم انتخاب کنید ! اینجا شما برنامه ما ، که مدت ها است از  
جانب مجموعه خلق طرح شده را در دست دارید . این ها اهداف  
ما هستند که به خاطر آن به حکومت باند سیاه اعلام جنگ نموده ایم .  
ما به هیچوجه خلق را مجبور به قبول نوسازی های ساخته و پرداخته  
خودمان نمی نمائیم ، ما فقط رهبری عقلی ساختن آن چیزهایی را به  
دست گرفته ایم ، که بدون انجام آنها بر اساس حکم عمومی و یکپارچه  
دیگر در روسیه نمیتوان زیست . ما خود را از خلق انقلابی مجزائی نمی -  
نمائیم و هر گام خود ، هر تصمیم خود را تابع حکم نهائی وی می -  
سازیم ، ما کاملاً و در نهایت به رهبری آزادی که از خود تسوده  
زحمتکشان سرچشمه میگرد تکیه داریم . ما کلیه احزاب انقلابی را  
بدون استثنا به متحد شدن فراخوانیم ، ما نمایندگان هر بخشی از  
مردم را که آماده هست برای آزادی ، برای برنامه ما به جنگ ، که



حقوق اساسی و نیازهای خلق را ضمانت می نماید به صفوف خود می خوانیم . ما به ویژه دستان خود را به سوی رفقای کارگر ملیس بسه لباس سرپازی و برداران خود ، دهقانان ، به خاطر مبارزه مشترک پیگیر علیه یوغ زمینداران و مأموران دولت ، به خاطر مبارزه جهت زمین و آزادی دراز میکنیم .

مردم! جهت مبارزه تعیین کننده صلح شوید . ما به حکومت باز سیاه اجازه نخواهیم داد که روسیه را ننگین نماید . تا زمانی که نهاده عظیم پلیس باند سیاه قدرت را برای گمناز ، برای غارت و سرای اعمال قهر به خلق در دست دارد ، ما اجازه نمیدهیم که ما را توسط تعویض چند مأمور دولتی و برکناری چند پلیس به فریبند . بگذار بورژوازی لیبرال تا به حد تکدی از این حکومت باند سیاه خود را خوار سازد . باندهای سیاه ، هنگامی که به طرح گفتارشان در برابر ادگاه های کهن تزاری مأموران کهن تزاری تهدید بشوند ، خواهند خندید . ما به بخش های ارتش خودمان فرمان خواهیم داد ، که قهرمانان باند - های سیاه ، کسانی که خلق ناآگاه را تحت تأثیر الک قرار داده و فاسد می نمایند ، را دستگیر کنند ، ما همه این موجودات نفرت انگیز ، مانند رئیس پلیس کرونشتاد ، را در برابر ادگاه علنی و انقلابی خلق بستن محاکمه خواهیم گشاند .

مردم! به غیر از باند سیاه همگی از حکومت تزاری رویگردان گشته اند . حول حکومت انقلابی به یکدیگر پیوندید ، پرداخت کلیه مخارج و مالیات ها را قطع نمائید ، همه جد و جهد خویش را به سازماندهی و صلح ساختن یک ارتش خلقی معطوف سازید . آزادی واقعی برای روسیه تنها تا آن حد که خلق خود را بعنوان فاتح بر همه نیروهای باند سیاه معرفی نماید ، تأمین خواهد شد . در جنگ داخلی هیچ



بی طرفی موجود نیست و نمیتواند موجود باشد. حزب سفیدها هیچ چیز دیگری جز مردم فریبی بردلانه نیست. هرکس که از مبارزه می -  
گریزد، پشتیبان تاخت و تاز باند های سیاه است. هرکس که  
هوادر انقلاب نیست، علیه انقلاب است. هرکس که انقلابی نیست،  
متعلق به باند سیاه است.

ما اتفاق نیروها برای قیام خلق و تدارک آن را تقبل می نمائیم.  
در سالگرد عظیم ۹ ژانویه نباید در روسیه هیچ اثری از آثار تأسیسات  
قدرت تزاری بجا مانده باشد. امید داریم جشن بهاره پرولتاریسای  
بین الطلی با روسیه آزاد روبرو باشد، روسیه ای با مجلس موسسانی که  
آزادانه توسط کلیه خلق انتخاب و فراخوانده شده است.

من تقریباً بدینسان تکامل شورای نمایندگان کارگری را به دولت  
انقلابی موقت تصور میکنم. این ها وظائف هستند که من در درجه  
اول برای کلیه تشکیلات حزبی خودمان، همه کارگران دارای آگاهی  
طبقاتی، هم برای خود شورا و هم برای کنگره نزدیک کارگران در  
مسکو و هم کنگره اتحادیه دهقانان تعیین می نمودم.

۴-۲ (۱۷-۱۵) نوامبر ۱۹۰۵

(کلیات آثار - جلد ۱۰)



## پاورقی‌ها

۱) "ناوایا سیشن" ( زندگی نوین ) - روزنامه "روزانه" بلشویک ها ، از ۲۷ اکتبر ( ۵ نوامبر ) تا ۳ ( ۱۶ ) دسامبر ۱۹۰۵ به صورت علنی در پترزبورگ انتشار می یافت . همینکه لنین در اوائل نوامبر از مهاجرت به پترزبورگ بازگشت ، این روزنامه تحت رهبری بلاواسطه او انتشار یافت . "ناوایا سیشن" عملاً ارکان مرکزی حزب کارگری سوسیال دمو - کراتیک بود . همکاران دائمی در این روزنامه و.و. وروسکی ، ام . اس . اولیفسکی و آ. و . لوناچارسکی بودند . ماکسیم گورکی نیز با این روزنامه همکاری داشته و حمایت مادی بزرگی از آن می نمود . انتشار آن به ۸۰۰۰۰ نسخه رسید .

این مجرود توسط یک گروه ترجمه شده است

تلفیر از: طروداران  
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر